



بررسی نشانه شناسی اسطوره در آثار سینمایی مورد مطالعاتی: آثار بهرام بیضایی

یگانه نادری

کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه علم و هنر یزد

p.naderi071@gmail.com

چکیده

پژوهش در راستای یک هدف اصلی شکل گرفته است و با بررسی و تحلیل واژه اسطوره و با نگاهی دقیق که به تاریخچه آن در طول تاریخ دارد می کوشد نقش اسطوره را مشخص نماید. از هدف اصلی آن می توان به شناخت دقیق واژه اسطوره - نقش اسطوره در تاریخ - اشاره به شخصیت اسطوره ای آثار بهرام بیضایی در این مقاله باشد. انتخاب روش انجام این پژوهش که بر اساس هدف آن شکل گرفته است به شناخت و تحلیل آثار فیلمنامه بهرام بیضایی می پردازد و به کاربرد و نقش اسطوره در فضا و داستان فیلم از جمله هدف اصلی است که با تحلیل و توصیف به آن پرداخته می شود. در یافته های پژوهش دریافتیم که این کارگردان با توجه به اسطوره و تاریخ در آثار باعث خلق آثاری متفاوت شده است که تکیه بر سنت دارد و آن را حفظ کرده است و متأثر بوده است و در این آثار علاوه بر مسئله زیبایی و اشاره به زیبایی شناسی پدیده ی جالب را ایجاد کرده است که اشاره و در ارتباط با فرهنگ گذشته مردمان ماست و این مسئله اشاره به آن دارد که به حفظ فرهنگ و سنت گذشته ی ما پرداخته است. نکات بررسی زیبانشناسی دیالوگ داخل متن و داستان و در این پژوهش می تواند به رویکرد جامع تر از تفکر کارگردان رسید. در نتیجه گیری پژوهش این کارگردان در کارهایشان سبک خاصی را ایجاد کرده است که زیبایی را می توان در آثارشان دید. که سعی شده است اسطوره را در بین کلام ها (متن ها) تصاویر، فیلم ها (سکانس ها) دیده و آن ها تحلیل بشود. و برای درک کلامی و فهم مفهوم از زبان اسطوره کمک گرفته شده است. این کارگردان در آثار خود تمام سعی شان را کرده اند که مفاهیم را برای مخاطب به راحتی بیان کند و از نماد اسطوره در بیان برخی از آثارشان استفاده کرده است که به همین علت آثارشان دارای سبک خاصی شده است که در این پژوهش به بررسی یک آثار در قالب اسطوره از فیلم های آنها پرداخته ایم.

واژگان کلیدی: فیلم، سکانس، اسطوره، افسانه، زبان



مقدمه

در این پژوهش که در راستای یک هدف اصلی شکل گرفته است و با بررسی و تحلیل واژه اسطوره و با نگاهی دقیق که به تاریخچه آن در طول تاریخ دارد می‌کوشد به فرضیات پاسخ بدهد و نقش اسطوره را مشخص نماید. به نظر می‌رسد آثار بهرام بیضایی در ساختار و کارکرد اسطوره دگرگونی‌هایی دارد که در وجود قهرمانان موجود در آثارش می‌توان دید. از هدف اصلی آن می‌توان به شناخت دقیق واژه اسطوره - نقش اسطوره و نشانه‌شناسی در آثار سینمایی اشاره داشت. اسطوره و داستان‌های اساطیری در طول تاریخ قدمتی فراوان دارند داستان‌هایی که دارای درس‌ها و تجربه‌هایی هستند که در طول زندگی بشر روایتی را به تصویر می‌کشند. اسطوره‌ها که بیشتر در قالب قوای طبیعی و نماد و مظهر قهرمانان را دارند برای مرمان دارای اهمیت بوده است. این موضوع برای دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و هنر ضرورتی است برای شناخت دقیق اسطوره و روند شکل‌گیری آن در طول تاریخ. بسیاری از مخاطبین تحت تاثیر آثار هنری و فیلم‌های این فیلم ساز قرار گرفته‌اند و آثار آنان به حفظ اسطوره و داستان‌های نیاکان گذشته‌ی ما می‌پردازد. این فیلم‌سازان و کارگردان‌ها با توجه به اسطوره و تاریخ در آثار باعث خلق آثاری متفاوت شده است که تکیه بر سنت دارد و آن را حفظ کرده است و متأثر بوده است و در این آثار علاوه بر مسئله زیبایی و اشاره به زیبایی‌شناسی پدیده‌ی جالب را ایجاد کرده است که اشاره و در ارتباط با فرهنگ گذشته مردمان ماست و این مسئله اشاره به آن دارد که به حفظ فرهنگ و سنت گذشته‌ی ما پرداخته است. پس اهمیت این پژوهش برای شناخت بهتر مفاهیم اسطوره در فیلم‌نامه‌های بهرام بیضایی بوده است. نکات بررسی زیباشناسی دیالوگ داخل متن و داستان و در این پژوهش می‌تواند به رویکرد جامع‌تر از تفکر کارگردان رسید.

در قسمت پیشینه‌ی پژوهش به بررسی مواردی همچون نقاش زاده، مسعود؛ مختاباد، سید مصطفی؛ با موضوعی تحت عنوان تحلیل ساختار فیلم‌های حماسی بر اساس الگوی سفر قهرمان به نتایجی دست یافت که در سال‌های اخیر، برخی متفکران با رویکردی بینارشته‌ای، با پیوند میان دستاوردهای روایت‌شناسی، اسطوره‌شناسی و روان‌شناسی، زمینه‌های تازه‌ای را برای مطالعات فیلم فراهم آورده‌اند. روایت‌ها، عموماً بیانگر گونه‌ای نگرش به جهان و چگونگی ادراک آن به شمار می‌روند. در این میان، روایت‌های اسطوره‌ای به واسطه ارائه الگوهای پربسامد و پایدار از تجارب بشری، اهمیت ویژه‌ای می‌یابند. اسطوره قهرمان، متداول‌ترین و مانوس‌ترین اسطوره در جهان امروز به شمار می‌رود و از همین روست که تأثیری عمیق بر طراحی ساختار نظام‌های دراماتیک دارد. هدف اصلی این مقاله، واکاوی ساختار روایت اسطوره‌ای در نظام دراماتیک فیلم‌های حماسی



بر اساس الگوی سفر قهرمان است . برای این منظور، با استناد به مطالعه ویلیام ایندیک ، ضمن تحلیل روایت شناختی فیلم سینمایی دلور (۱۹۹۵) به کارگردانی مل گیسون و بازخوانی مراحل مختلف سفر قهرمان ، به بررسی چگونگی کاربرد این الگو در طراحی ساختار دراماتیک فیلم های حماسی پرداخته شده است . نجف آبادی، الهه شمس؛ ناظری، افسانه؛ در پژوهشی تحت عنوان اسطوره و ابرقهرمانسازی سینمایی مدرن از منظر مطالعات فرهنگی به نتایجی دست یافت که بازتاب ویژه آن دابرقهرمانان سینمایی را می توان پدیده های فرهنگی و اسطوره ای مدرن قلمداد نمود که مانند اسطوره های فرهنگ های باستان، توابع و مفاهیم مختلف فلسفی را در چندلایگی خویش جای داده اند. اشکال متنوع ژانر ابرقهرمان، بخش مهمی از محیط و فرهنگ رسانه ای را شکل داده است. هدف از تحقیق پاسخ به این سؤال است که چگونه اسطوره های مدرن سینمایی، اهداف متنوع ایدئولوژیک از منظر مطالعات فرهنگی را محقق می سازند؟ مطالعات فرهنگی در صدد تحلیل شرایطی است که منجر به تولید و تعیین نقش نیروهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و همچنین ساختارهای قدرت است. در چارچوب مطالعات فرهنگی به دلیل تعاریف نوآورانه رولان بارت از اسطوره، به نشانه شناسی فرهنگی وی استناد شده است. نتایج حاصل نشان داد که ابرقهرمان خود به عنوان استعاره ای از جهان واقعی به سادگی قادر است به تجسم معناهای استعاری بی شماری بینجامد؛ چراکه فیلم را به عرصه کشمکش تناقض ها و تجسم معانی فرهنگی، رسوم اجتماعی و تصورات سیاسی مبدل می سازد. هدف اسطوره سازی مدرن فراتر از مصرف گرایی، درصد دستیابی به جامعه های همگن با سبک زندگی لیبرال است. همچنین روایت قهرمان سازی در سینما، بویژه سینمای هالیوود در خدمت ایجاد مفهوم مرکزی ایدئولوژیک سرمایه داری امریکا است که براساس تطابق با هنجارهای رایج به انتقال مفاهیم و تجسم معانی فرهنگی می پردازد و اهدافی مانند امنیت ملی، جنگ سرد، تغییر نقش های جنسیتی، کلیشه های نژادی و مسائل زیست محیطی را مدنظر قرار می دهد. ر مرگ یزدگرد، بیش از دیگر مولفه های روایت پسامدرنیستی به چشم می آید.

محمدی، ابراهیم؛ افشار، مریم؛ در مقاله ی خود تحت عنوان خوانش پسامدرنیستی / اسطوره در مرگ یزدگرد به نتایجی دست یافتند که اسطوره، با آدمی زاده شده، تغییر و تحول پیدا کرده و در پیکره داستان ها و حکایات و همراه با آثار هنری و ادبی تداوم یافته است. نمی توان حضور اساطیر را در فرهنگ، ادبیات و هنر، از جمله هنرهای نمایشی که از روزگار آیسخولوس، اوریپید و آریستوفانس تا سینمای روزگار ما با اسطوره پیوند استواری دارند و نیز در گونه ها و مکتب های مختلف ادبی و هنری نادیده گرفت. رویکرد جدی به روایت های اسطوره ای، یکی از مولفه های اصلی ادبیات و هنر پسامدرنیستی نیز هست، اما با استفاده روایت های کلاسیک و حتی مدرنیستی متفاوت است. نگارندگان کوشیده اند در این نوشتار با تحلیل ساخت و محتوا و تبیین



ویژگی های محتوایی ساختاری فیلم مرگ یزدگرد، ساخته بهرام بیضایی، با تکیه بر مولفه های پسامدرنیستی موجود، کاربست اسطوره را در فیلم نشان دهند و تبیین کنند که این اثر، دارای مولفه هایی از قبیل «تناقض، بی انسجامی، بینامتنیت، و نگاه پست مدرن به اسطوره» است. نگاه ویژه به اسطوره (دگرگونی اسطوره، دگردیسی اسطوره قهرمان و تقدس زدایی از اسطوره به کمک نقیضه) و بازتاب ویژه آن در مرگ یزدگرد، بیش از دیگر مولفه های روایت پسامدرنیستی به چشم می آید.

نشانه شناسی در ابتدا نتیجه ی مطالعه ی علمی در نمادهای فیزیولوژیکی است که به واسطه ی بیماری ها یا شرایط فیزیکی خاص ایجاد می شوند. بقراط بنیان گذار علم پزشکی در مغرب زمین بوده که نشانه شناسی را در مقام شاخه ای از علم پزشکی و به منظور مطالعه ی دردنهاها بنیان نهاد - دردنهاها در واقع نشان علامت یا سه میون است که به چیزی غیر از خودش اشاره دارد. (سپسیاک ۱۳۹۱: ۲۸)

4

نشانه شناسی به نظر دوسوسور علم پژوهش نظام های دلالت معنایی است زبان یکی از این نظام هاست آدمیان به یاری اشارات اندام های بدن، نظام پوشاک، نظام خوراک، نظام های نشانه ای - فرهنگ (از سیمایچه های اقوام ابتدایی تا نظام نقاشی تجریدی معاصر یعنی با ابزاری جدا از نوشتار و گفتار نیز با یکدیگر ارتباط میابند.

تعریف سوسور از نشانه ای جریانی را بنا نمود که در پژوهش های نشانه شناختی در نیمه های اول قرن بیستم تاثیرگذار بود او نشانه را صورتی تعریف کرده که متشکل است از: ۱- چیز هایی مثل صدا ها، حروف و ژست و حرکات بدنی و مانند آن که او آن را دال نامید. ۲- تصویر یا مفهومی که دال به آن اشاره دارد که آن را مدلول و رابطه ی بین این دو را دلالت نامید ، دوسوسور رابطه بین دال و مدلول را رابطه ی اختیاری در نظر گرفت که انسان ها یا جوامع انسانی به اراده ی خود آن را بنا نهادند. معنای هر نشانه تنها از راه نشانه ی دیگر دانسته میشود هر گونه موارد تاویلی اشاره ای است به نشانه های دیگر که خود باید تاویل شود به دین سان با مسیر نامحدود و بی پایان نشانه گذاری ها روبه رو میشویم.

به بیان دیگر و نشانه چیزی را به یاری ایده ها معرفی میکنند آنچه معرفی میشود معنای نشانه است اما آن ایده یا مورد تاویلی فقط از راه ارجاع به نشانه ی دیگری شناخته میشود پیرس پر دشوار ترین نکته در نشانه شناسی انگشت نهاده است معنای نشانه ، نشانه ی دیگری است یا به زبان ساده تر معنای نشانه حاضر نیست . همواره فاصله ای نا گذشتنی و نا شناختی میان، دال، تصور ذهنی و موضوع واقعی وجود دارد.(احمدی ۱۳۸۹، ۷۱) یکی از عام ترین تعریف های نشانه شناسی از امبرتو آگوست که میگوید :

نشانه شناسی یا هر چیز دیگری که بتواند یک نشانه قلمداد شود سر و کار دارد (نیکرلز ۱۳۸۷، ۷)



سوسور مطالعه ی زبان به عنوان نظامی از نشانه های قراردادی را همواره مطالعه ی علمی میدانند. ساختار گرای سوسور در برهه ای از تاریخ واقع میشود که بنیان های مابعدالطبیعی شدیداً زیر سوال رفته اند. با این حال سوسور به رویکرد های علوم تجربی در مطالعه ی پدیده ها هنوز وفادار است. عالم تجربی میتواند پدیده ها را به عنوان پدیده های خارجی مورد بررسی قرار دهد به طوری که جایگاه خود او در نتایج مطالعه هیچ تاثیری نگذارد.

سوسور میگوید: نشانه ی زبان رابطه میان شی و اسم نیست، رابطه ای است که میان مفهوم و الگوی آواییست الگویی آوایی صورت نیست چرا که صورت پدیده ای است طبیعی. الگویی آوایی اثر روانشناختی صدا در ذهن خواننده است الگوی صدایی تنها به این دلیل عنصری ماده شمرده میشود که باز نمود ادراک حسی ماست. عنصری دیگر از نوع انتزاعی است مفهوم (قیطوری ۲۰۰۳: ۹۰) به نظر سوسور هر نشانه زبانیست استوار به قرار داد. او معتقد است در کل دلیلی برای قرارداد نشانه گذاری در زبان وجود ندارد اما اگر بخواهیم، شخص دیگری حرفم را بفهمد ناچارم که قرار دادها را رعایت کنم. به نظر سوسور میتوان هر پدیده ی خاص زبان را از دو راه بررسی کرد. یا این پدیده همچون بخشی از نظام کلی شناخته میشود. که همزمان با آن وجود دارد و یا لحظه ای از نظام تاریخی به حساب می آید. اگر یک واژه ای یک واج خاص در تناسب با سایر واژگان و واج ها که همزمان در زبان به کار میروند بررسی کنیم روش کارمان همزمان توصیفی خواهد بود اما اگر آن واژه یا واج را به گونه ای تاریخی بررسی کنیم آنگاه از روش در زمان استفاده کردیم.

نمایش نامه، فیلم نامه های بهرام بیضایی، عبارت اند از: اژدهاک، آرش، آهو، سلندر، طلحک و دیگران، پرده نئی، سیاوش خوانی، شب هزارویکم، و مجلس قربانی سنمار... در این پژوهش، نخست، به شیوه توصیفی - تحلیلی، ادبییک اثر از بهرام بیضایی معرفی می شوند...

ساختار و کارکرد اسطوره در آثار بهرام بیضایی گاه دگرگونی هایی می یابد. نمونه آن، تغییر کلیشه «قهرمان» در برخی فیلم های او است. اسطوره قهرمان و سفر او، همواره مورد توجه اسطوره شناسان بوده است؛ براساس دیدگاه و الگوی جوزف کمبل، قهرمان مرد مراحل دهگانه ای را در سفر رو به کمال خود طی می کند. اما، بیضایی با تنزل قهرمانان مرد و توجه به نقش آفرینی قهرمانان زن، به تغییر کارکردهای سنتی این اسطوره متناسب با اوضاع زمانه دست زده است. رعنا در فیلم «غریبه و مه»، زن آسیابان در «مرگ یزدگرد»، تارا در «چریکه تارا»، خانم بزرگ و ماهرخ در «مسافران» و گلرخ در «سگ کشی»، ضمن سفر پیش رویشان، با دانایی، آزمون و نجات بخشی به قهرمان اسطوره ای بدل شده اند. این امر به پررنگ شدن نقش اسطوره و جنسیت در سینمای او انجامیده است. (شامیان سارو کلایی، افشار، ۱۳۹۲)



شگردهایی که بیضایی در بازخوانی و بازنویسی آثار کهن از آنها استفاده می کند عبارت اند از: ۱. «بازآفرینی» اثر کهن که در دو سطح کلی - «تغییر در چهارچوب کلی اثر» و «تغییر در خویش کاری های شخصیت ها» - صورت می گیرد. ۲. «بازنویسی» اثر کهن که به چند شیوه انجام می پذیرد؛ از جمله «افزودن گفت وگو میان شخصیت ها»، «برقراری روابط علی و معلولی» و «تغییر در شیوه روایت گری».

بیضایی همان روایت عاشق و معشوق را با صحنه های تکراری روایت می کند، اما پایان بندی روایت را مطابق باورهای خود می نگارد. در روایت نظامی، گفت وگو فقط سه بار ردوبدل می شود و بیشترین کلام از آن راوی است، اما نمایش نامه بیضایی سراسر گفت وگوست. (دریاکناری، حسینی، ۱۳۹۶)

بهرام بیضایی از جمله نویسندگان تأثیرگذار در ادبیات نمایشی ایران است. همه کوشش این نویسنده از ابتدا بر روی سه محور اسطوره، حماسه و تاریخ بوده است. وی با تلفیق این عناصر با درام، خالق آثار متنوعی در ادب معاصر فارسی است. بررسی متونی که ریشه در اساطیر ایران دارد از مناظر متفاوت حائز اهمیت است، به ویژه متونی که امروز نگاشته شده اما ریشه های خود را با گذشته ادبی زبان فارسی حفظ کرده است. روایت آرش نوشته بهرام بیضایی از این نوع است. نویسنده با به کارگیری از یک روایت کهن، واژگان و نحو زبان را در خدمت نگاه اجتماعی امروز درآورده است. با بررسی جنبه های القایی واژگان و وجه افعال، بازتاب هویت و قدرت را در این اثر نشان دهد و با توجه به جابه جایی اسطوره، قهرمان داستان را هویت تازه ای ببخشد. (ترینیان، ابو محبوب، ۱۳۹۸)

روش تحقیق

انتخاب روش تحقیقی در این پژوهش براساس اهداف آن، از انواع تحقیقاتی - کاربردی و به جهت ماهیت کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی می باشد. این پژوهش با هدف شناخت - توصیف و تحلیل نشانه شناسی در اسطوره به صورت کاربردی شکل گرفته است. مطالعه به صورت کتابخانه ای و از طریق فیش برداری مطالب از میان منابع معتبر کتابخانه ای - مجلات - مقالات - سمینارها انجام شده است و سعی پژوهشگر بر این بوده است که از جدیدترین منابع بهره مند شود و نیز مشاهده آثار اسطوره ای. مطالعات اینترنتی که با کمک جستجوگرها در بانک علمی و اطلاعات و کتابخانه های دیجیتالی صورت گرفت. لازم به ذکر است



که جستجوهای گسترده با استفاده از منابع اینترنتی در راستای تحقیق انجام شده است و همه ی مطالعات در این پژوهش برای تسلط و شناخت عمیق تر پژوهشگر در تحلیل اسطوره صورت گرفته است. انتخاب روش تحقیقی در پژوهش براساس اهداف از انواع تحقیقات - کاربردی است و از جهت ماهیت از نوع توصیفی- تحلیلی می باشد. جامعه آماری این پژوهش بررسی آثار سینمایی بهرام بیضایی است . در این پژوهش که با توجه به اهداف کاربردی است از نظر ماهیت از نوع بررسی و توصیفی - تحلیلی است که به شناخت اسطوره در فیلمانه و صحنه های فیلم می پردازد. انتخاب روش انجام این پژوهش که بر اساس هدف آن شکل گرفته است به شناخت و تحلیل آثار فیلمنامه بهرام بیضایی می پردازد به کاربرد و نقش اسطوره در فضا و داستان فیلم از جمله هدف اصلی است که با تحلیل و توصیف به آن پرداخته می شود.

7

یافته ها

این پژوهش به صورت کاربردی شکل گرفته است. بنابراین برای تحقق هدف پژوهش، روش گردآوری، کتابخانه ای و میدانی بوده که از این طریق اطلاعات مورد نیاز جمع آوری و مطالب با استفاده از مثال ها و منابع معتبر به روش توصیفی بیان شده است. در واقع این پژوهش، مطالعه ای تحلیلی و مقایسه ای بوده و به طور کلی با کمک گرفتن از منابع کتابخانه ای، ترجمه متن های مرتبط، تحقیقات میدانی، به انجام رسیده است. مطالعه به صورت کتابخانه ای و از طریق فیش برداری مطالب از میان منابع معتبر کتابخانه ای - مجلات - مقالات - سمینارها انجام شده است . در یافته های پژوهش دریافتیم که این کارگردان با توجه به اسطوره و تاریخ در آثار باعث خلق آثاری متفاوت شده است که تکیه بر سنت دارد و آن را حفظ کرده است و متأثر بوده است و در این آثار علاوه بر مسئله زیبایی و اشاره به زیبایی شناسی پدیده ی جالب را ایجاد کرده است که اشاره و در ارتباط با فرهنگ گذشته مردمان ماست و این مسئله اشاره به آن دارد که به حفظ فرهنگ و سنت گذشته ی ما پرداخته است. نکات بررسی زیباشناسه ی دیالوگ داخل متن و داستان و در این پژوهش می تواند به رویکرد جامع تر از تفکر کارگردان رسید .



بحث و نتیجه گیری

اهمیت اسطوره در طول تاریخ و عصر معاصر برای همه ی پژوهشگران در این زمینه مشخص شده است. از لحاظ شناختی اسطوره پردازی در بعضی از موارد بسیار زیبا بیان شده است و برخی از اسطوره پردازها آثاری سرشار از تحسین به وجود آورده اند . تحلیل در زمینه ی اسطوره بسیار گسترده است به طوری که اسطوره در دیگر هنرها مانند نقاشی ، شعر... به وضوح به چشم می آید و از سویی دارای جنبه ای تحلیلی ذهن انسان را با وضعیت موجود در شرایط اجتماعی - جغرافیایی ...را به تصویر می کشد. و برای همه ی ما جای هیچ شکی نیست که واژه اسطوره دارای قدمت بسیار تاریخی است. این داستان ها و روایت های اسطوره ای نشانگر تجربه های شیرین و تلخ روزگاران دور است که آنها را برای نسل های ما برجا گذاشته اند . در این مقاله روش گرد آوری اطلاعات به صورت کتاب ای - اسنادی است که نتایج نشان می دهد اسطوره همانند تصاویر و شعر و داستان ها جنبه ی ذهنی و تحلیلی دارد که بخش بزرگی از آن را به خود اختصاص داده است. در نتیجه گیری پژوهش این کارگردان در کارهایشان سبک خاصی را ایجاد کرده است که زیبایی را می توان در آثارشان دید. که سعی شده است اسطوره را در بین کلام ها (متن ها) تصاویر، فیلم ها (سکانس ها) دیده و آن ها تحلیل بشود. و برای درک کلامی و فهم مفهوم از زبان اسطوره کمک گرفته شده است. این کارگردان در آثار خود تمام سعی شان را کرده اند که مفاهیم را برای مخاطب به راحتی بیان کند و از نماد اسطوره در بیان برخی از آثارشان استفاده کرده است که به همین علت آثارشان دارای سبک خاصی شده است که در این پژوهش به بررسی یک آثار در قالب اسطوره از فیلم های آنها پرداخته ایم. اگر بخواهیم درک دقیق تری نسبت به آثار بهرام بیضایی باید به دنبال راه حلی بهتر و دقیق باشیم تا فهم آثار این هنرمند کارگردان برای مان راحت تر باشد و به علم نشانه شناسی و اسطوره برای درک و شناخت بهتر موضوع و متن نیازمندیم .

منابع

- آب پرور، مسعود، اسطوره و سینمای، نشر فارابی، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۷۰، صص ۱۸۱-۱۷۴
- بابایی، امیر حسین، کارگاه فیلمنامه درباره خلق فیلمنامه، نشریه نقد سینما، بهار ۸۸، شماره ۶۵-۶۴ صص ۱۴۰-۱۴۱
- براهنی، رضا، مرگ یزد گرد، فصلنامه تخصصی ادبیات نمایشی، زمستان ۸۶، دوره ی دوم، شماره دوم، صص ۸۶-۸۸
- دریاکناری، رقیه؛ حسینی، مریم؛ انواع بازنویسی و باز آفرینی های بهرام بیضایی از داستان های کهن، شماره ۸۲ علمی-پژوهشی، ۱۳۹۶ صص ۳۰۳
- تنسی، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران، نشر آگاه و آگه، چاپ نهم، زمستان ۱۳۸۷
- سیکولز، بیل: ساخت گرایی نشانه شناسی سینما، ترجمه علا الدین طباطبایی، تهران، نشر هرمس ۱۳۸۷
- شامیان سارو کلایی، اکبر؛ افشار، مریم؛ نقش اسطوره و جنسیت (نقش زن) در سینمای بهرام بیضایی، مجله: ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، ۱۳۹۲، صص ۱۱۷
- فوکاسیان، زاون، فیلم های برگزیده ی سینمای ایران در دهه ی ۶۰، کریستین سن آرتور، نمونه های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه ای ایرانیان، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، چاپ چهارم، بهار ۱۳۸۹
- گرونر، هلن، هنر در گذر زمان به تجدید نظر هوراست دلاکروآ و ریچارد ج.
- گرین ویلفرد، ارل لیبر، لی مورگان، جان ویلینگهام، مبانی نقد ادبی، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، نشر نیلوفر ۱۳۸۹
- هسیز جان، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار، احمد تفضلی، تهران، نشر چشمه، ۱۳۸۷